

بررسی رابطه رضایت‌مندی زوجیت و سبک‌های تفکر معلمان متأهل زن در شهر تهران
Relationship between Marital Satisfaction & Thinking Style
among Married Women Teachers in Tehran

Gholam Ali Afrooz
Vali Allah Farzad
Masoomeh Mohebbi
Sogand Ghasemzadeh

غلامعلی افروز*
ولی‌اله فرزاد**
معصومه محبی***
سوگند قاسم‌زاده****

چکیده

Abstract

Marital satisfaction is one of the most important components of healthy function in the family. The current study was aimed to review the relationship between marital satisfaction & thinking style among married women teachers in Tehran. For this purpose, a sample of 200 married female teachers of secondary schools in Tehran were selected. It was a multi stage random sampling method. Research tools were Afrooz marital satisfaction scale (110 questions) and Thinking Styles of Strenberg Wagner scale (104 items). Statistical data were gathered from 169 questionnaires. The results of this study through correlation analysis showed that there is direct and meaningful relationship in confidence level of 99 percent $p = (0/01)$ between general marital satisfaction and some components of thinking style such as: legislator, judicial, hierarchical, global, liberal thinking styles, and also with executive, individual-based, extrovert thinking style in confidence level of 95 percent ($p = 0/05$). Also there was not meaningful relationship between general marital satisfaction with local & internal thinking styles. Also there was direct and meaningful relationship between most components marital satisfaction and thinking style in confidence level of 99 & 95 percent and there was no relation between the rests.

Keywords: Marital satisfaction, Thinking styles, Married women teachers, Thinking styles, Married women teachers

رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های عملکرد سالم در خانواده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین رضایت-مندی زوجیت با سبک‌های تفکر معلمان متأهل زن در شهر تهران به اجرا در آمد. برای این منظور، نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر از معلمان متأهل زن در مدارس راهنمایی و متوسطه شهر تهران انتخاب شد. روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. پرسشنامه رضایت‌مندی زوجیت افروز و پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ - واگنر به معلمان متأهل زن شهر تهران داده شد. ۱۶۹ پرسشنامه مورد تحلیل آماری قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل همبستگی دو مقیاس فوق حاکی از آن است که بین رضایت‌مندی کلی با برخی مؤلفه‌های سبک تفکر از قبیل تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر، آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($P = (0/01)$) با سبک‌های اجرایی، فردسالار و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($P = (0/05)$) رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بین رضایت کلی زوجیت افروز با بعضی از مؤلفه‌ها از جمله تفکر جزئی‌نگر و درون‌نگر ارتباط معناداری یافت نشد. همچنین بین بیشتر مؤلفه‌های رضایت‌مندی زوجیت و مؤلفه‌های سبک‌های تفکر، در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد رابطه معنادار و مستقیم وجود داشت و در برخی دیگر رابطه معناداری یافت نشد.

واژه‌های کلیدی: رضایت‌مندی زوجیت، سبک تفکر، معلمان متأهل زن

email: Afrooz@ut.ac.ir

* استاد ممتاز دانشگاه تهران

** استاد دانشگاه تربیت معلم

*** کارشناس ارشد روانسنجی دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز

**** استادیار دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران

Received: 15 Des 2014 Accepted: 6 Oct 2015

پذیرش: ۹۴/۷/۱۵

دریافت: ۹۳/۹/۲۴

مقدمه

ازدواج خوشایندترین فرصت برای انتخاب همسری آرامش‌گر، تحکیم زیباترین مهرورزی و فطری‌ترین محبت‌پذیری است. خانواده با پیمان ازدواج و پیوند همسری زن و مردی آگاه و برخوردار از بلوغ فکری، اجتماعی و روانی پایه‌گذاری می‌شود و این زوج، ستون اصلی حیاتی‌ترین نماد اجتماعی یعنی خانواده را تشکیل می‌دهند. بنابراین، سلامت و سعادت جامعه به سلامت و پویایی خانواده وابسته است و سلامت و تعادل خانواده نیز به کیفیت رابطه زن و شوهر بستگی دارد (افروز، ۱۳۸۶).

رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های عملکرد سالم در نهاد خانواده است. پر واضح است که اصلی‌ترین رسالت زن و شوهر، محقق نمودن هدف والای ازدواج یعنی نیل به آرامش و سعادت و رضایت است. تعاریف متعددی برای رضایت زناشویی وجود دارد. افروز (۱۳۸۸) رضایت زوجیت را این‌گونه تعریف می‌کند: رضامندی متقابل زن و شوهر از جاذبه‌های روانی-جنسی یکدیگر و برخورداری از بیشترین احساس آرامش و امنیت روانی در زندگی مشترک. ایس (۱۹۸۹) رضایت زناشویی را احساس عینی خشنودی، رضایت و لذت بردن زن و شوهر از روابط خود تعریف می‌کند. عوامل مختلفی رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آن جمله می‌توان به خلق و خوی همسر (روزبلا و همکاران، ۱۹۹۹)، درآمد و اشتغال همسر (ویجینیتمالا، کومار و پاندا، ۲۰۰۴)، تفاهم فکری (عقاید، باورها و ارزش‌ها) و ارضای جسمانی و روانی همسر (موسوی و فرزاد، ۱۳۷۸) اشاره کرد. همان‌گونه که ذکر شد عوامل متعددی در برخورداری زوجین از احساس رضایت ایفای نقش می‌کنند. در این میان، توجه به سبک و شیوه تفکر زوجین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا ارتباط انسان با جهان به خصوص در روابط زناشویی، همواره مستقیم و به دور از تأثیر عوامل ذهنی نیست. اینکه داوطلبان ازدواج چگونه با نحوه اندیشیدن و تفکرات یکدیگر آشنا شوند و زوجین با چه نوع سبک تفکری بتوانند رضایت بخش‌تر مسیر زندگی را پیمایند و درک بهتری از عقاید، باورها و توقعات و عملکرد یکدیگر در موقعیت‌های مختلف زندگی داشته باشند، زمینه‌های لازم برای رسیدن به شادکامی و سعادت در زندگی زناشویی را فراهم آورده، و موجب ایجاد تفاهم بیشتری بین زوجین می‌گردد. اما این که تعریف سبک تفکر چیست و چه فاکتورهایی را شامل می‌شود، باید عنوان نمود که رابرت استرنبرگ (۱۹۹۷) نخستین کسی است که مفهوم سبک‌های تفکر را معرفی، و انواع سبک‌های تفکر را دسته‌بندی کرده است. او سبک تفکر را به عنوان طریقی که فرد می‌اندیشد، تعریف کرده و اعتقاد او بر این است که سبک تفکر یک توانایی نیست، بلکه به چگونگی استفاده ما از توانایی‌هایمان اشاره می‌کند. افراد ممکن است عملاً در توانایی‌ها مشابه، اما در سبک‌های تفکر متفاوت باشند. سبک‌های تفکر ترجیحات ما درباره چگونگی استفاده از هوش و استعدادهایمان هستند. هوش به آنچه فرد می‌تواند انجام دهد، اشاره می‌کند، اما سبک تفکر به آنچه فرد ترجیح می‌دهد انجام دهد، گفته می‌شود (سیف، ۱۳۷۹).

استرنبرگ (۱۹۹۷) با این پرسش که سبک‌های متفاوت کارکرد ذهنی از کجا ناشی می‌شود، متغیرهای مؤثر در تحول سبک‌های تفکر را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. او معتقد است، اگر چه عواملی اثری تا حدی در تحول سبک‌های تفکر نقش دارند، اما اثری بودن نمی‌تواند نقش بسیار زیادی در سبک‌های تفکر داشته باشد. ولی در عین حال برای فرایند اجتماعی شدن سهم بسیاری قائل است. بنابراین، متغیرهای مؤثر در تحول سبک‌های تفکر از نظر وی عبارتند از فرهنگ، سن، جنسیت، والدین، آموزش و مشاغل. بر اساس نظریه خودگردانی ذهنی وی، افراد نیاز دارند فعالیت‌های روزمره خود را در مدرسه، خانه و دیگر موقعیت‌ها، اداره و نظارت کنند و روش‌هایی را برای چنین نظارتی انتخاب می‌کنند که برای آن‌ها راحت‌تر باشد. بنابراین، سبک‌های مختلف نه خوب‌اند و نه بد، بلکه فقط متفاوت هستند. هر فرد، نیم‌رخ از سبک‌ها را دارد و به میزان متفاوتی از هر سبک را نشان می‌دهد، همچنین افراد در چهارچوب یک سبک محبوس و گرفتار نیستند، بلکه قادرند سبک‌های خود را با موقعیت‌ها و تکالیف مختلف تغییر دهند (استرنبرگ و گریگورنکو، ۱۹۹۷).

نظریه خودگردانی ذهنی سبک‌های تفکر سیزده‌گانه را که بر اساس پنج بخش اصلی سازمان‌دهی شده است، بدین شرح توصیف می‌کند:

الف- سبک‌های کارکردی شامل اجرایی^۱، قضایی^۲ و قانون‌گذار^۳. ب- اشکال سبک‌های تفکر شامل فردسالار^۴، پایورسالار^۵، جرگه سالار^۶ و ناسالار^۷. پ- سطوح سبک‌های تفکر شامل کلی‌نگر^۸ و جزئی‌نگر^۹. ج- گستره سبک‌های تفکر شامل درون‌نگر^{۱۰} و برون‌نگر^{۱۱}. د- گرایش سبک‌های تفکر شامل محافظه‌کار^{۱۲} و آزاد اندیش^{۱۳}.

کارکرد قانون‌گذار مربوط به ایجاد، تدوین، طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی است. افرادی که دارای سبک قانون‌گذار هستند، دوست دارند خود در این باره که چه کاری بکنند و چگونه آن را انجام دهند، تصمیم‌گیری کنند، آن‌ها مایلند خود قوانین و مقررات وضع کنند و مسائل و مشکلات غیرمترقبه و از پیش برنامه‌ریزی نشده را ترجیح می‌دهند. افراد با سبک تفکر اجرایی، اجراکننده هستند. آن‌ها دوست دارند از قوانین پیروی کنند و در انجام کارها روش‌های موجود و از پیش تعیین شده را ترجیح می‌دهند و دوست

1- executive

2- judicial

3- legislative

4- monarchic

5- heirachic

6- oligarchic

7- anarchic

8- global

9- local

10- internal

11- external

12- conservative

13- liberal

دارند شکاف‌های بین ساختارهای موجود را تکمیل کنند، نه اینکه خودشان ساختارهایی ایجاد نمایند. به همین دلیل، یک زوج قانون‌گذار- اجرایی می‌توانند بسیار موفق باشند، زیرا آن‌ها به خوبی یکدیگر را کامل می‌کنند. افراد با سبک فردسالار به وسیله یک هدف یا نیاز واحد در یک زمان برانگیخته می‌شوند. آن‌ها تک بعدی و به دنبال چیزی هستند که ملکه ذهنشان شده است. اغلب توسط سلسله مراتبی از اهداف برانگیخته می‌شوند؛ با آگاهی از این که همه اهداف نمی‌توانند به خوبی و به طور یکسان برآورده شوند و برخی از این اهداف مهم‌تر از هدف‌های دیگرند، یعنی آن‌ها تنظیم کننده اولویت‌ها هستند و بر همین اساس، منابع و امکانات خود را به طور دقیق‌تر توزیع می‌کنند. آنها در تصمیم‌گیری‌های خود با این مشکل مواجه‌اند که به کدام یک از هدف‌ها باید اولویت بیشتری قائل شد، به همین دلیل در تخصیص منابع دچار مشکل می‌شوند. افراد ناسالار مایل‌اند هر چیزی را آسان بگیرند و برایشان اولیوی مطرح نیست و اولویت‌بندی، امری مشکل به نظرشان می‌رسد، زیرا هیچ هدف یا اصول پایداری که کارهایشان را بر آن اساس اولویت‌بندی کنند، ندارند. از نظم‌گريزان‌اند، و تمایل به طرد نظام‌ها به ویژه نظام‌های سخت‌گیر دارند. افراد آزاداندیش دوست دارند فراتر از قوانین و برنامه‌های موجود فکر کنند، به دنبال حداکثر تغییر هستند و موقعیت‌های پیچیده و مبهم را دنبال کنند، در حالی که افراد با سبک تفکر محافظه‌کار به قوانین و برنامه‌های موجود وفادار می‌مانند و به دنبال حداقل تغییرات هستند، تا آنجا که ممکن است از برخورد با موقعیت‌های ناشناخته اجتناب می‌ورزند.

نظریات و تحقیقاتی چند در زمینه رضایت‌مندی زناشویی و نحوه تفکرات زوجین وجود دارند، از جمله: طبق نظریه همسان همسری، تقریباً اکثر نظام‌های همسرگزینی به ازدواج همسان تمایل دارند، یعنی معمولاً با توجه به انواع مشخصات، اشخاص همسان با یکدیگر ازدواج می‌کنند، و این شباهت منحصر به ویژگی‌های جامعه شناختی مانند سن، نژاد، دین، تحصیلات و طبقه اجتماعی نیست، بلکه در مورد ویژگی‌های شناختی نیز صادق است (مومن زاده، ۱۳۸۱).

موسوی و فرزاد (۱۳۷۸) در پژوهشی فاکتورهای موثر در رضایت‌مندی زوجین که شامل: همسو بودن در عقاید و باورهای مذهبی، سنت‌ها، آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی، عوامل جسمانی و هیأت ظاهر، تفاهم فکری (عقاید، باورها و ارزش‌ها) امکانات اقتصادی و ارضای جسمانی و روانی زوجین را یافتند. در پژوهشی دیگر کاسلو و رایبسون (۱۹۹۶) برای یافتن عناصر اصلی رضایت زناشویی بلند مدت با زوجینی که بیش از ۲۵ سال از ازدواج آنها می‌گذشت، مصاحبه کردند، نتایج ده عامل که شامل: عشق- اعتماد دوطرفه- احترام متقابل- حمایت متقابل- عقاید و باورهای مشابه- صداقت- بده بستان متقابل عاطفی- فلسفه زندگی یکسان- لذت بردن از یک چیز و علایق یکسان را نشان داد.

در پژوهشی که یونسی و بهرامی (۱۳۸۸) با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی از طریق تفکر قطعی‌نگر^۱ در ۳۰۰ زوج تهرانی انجام دادند، نتایج حاکی از رابطه منفی بین تفکر قطعی‌نگر و رضایت زناشویی بود. چهار زیرمقیاس پرسشنامه تفکر قطعی‌نگر شامل: تعامل با دیگران،^۲ تفکر مطلق‌نگر،^۳ پیش‌بینی آینده^۴ و حوادث منفی^۵، توانستند حدود ۱۴ درصد واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. در پژوهشی که اسماعیلی (۱۳۸۸) تحت عنوان رابطه بین سبک تفکر و رضایت زناشویی در معلمان متأهل زن و مرد شهر تبریز انجام داد و در آن از آزمون رضایت زناشویی انریچ^۶ استفاده کرد. نتایج حاکی از آن بود که بین سبک تفکر جرگه سالار و ناسالار با طول مدت ازدواج رابطه مثبت و مستقیم، و بین سبک تفکر جزئی‌نگر با متغیر سن مولفه‌های سن و طول مدت ازدواج رابطه مثبت و مستقیم، و بین سبک تفکر کلی‌نگر و رابطه معکوس وجود داشت. همچنین بین رضایت زناشویی در مولفه‌های موضوعات شخصی با طول مدت ازدواج، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت با متغیر سن به صورت منفی و اقوام و دوستان با متغیر سن به صورت منفی رابطه معناداری وجود داشت. سالیوان و سوابل (۱۹۹۵)، در پژوهش خود تحت عنوان بررسی رابطه بین انتظارات زوجین و سطوح تفکرات غیرمنطقی و رضایت آن‌ها از روابط زناشویی نشان دادند که عدم رضایت از زندگی فعلی با سطوح تفکرات غیرمنطقی و انتظارات آنها رابطه دارد. همچنین، ساندرسون و کانتور (۲۰۰۱)، چهل و چهار زوجی را که پرسشنامه مربوط به افکار و اهداف همسرانشان و را پر کردند، مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که رضایت زناشویی با افکار و اهداف همسران مرتبط است. در پژوهشی دیگر نیز که هامامکی (۲۰۰۵) به منظور ارتباط بین تفکرات غیر منطقی و سازگاری زناشویی در زنان و مردان انجام داد، به این نتیجه رسید که افراد متأهل دارای نمره سازگاری پایین، نسبت به افراد متأهل دارای نمره سازگاری بالا، به طور معناداری تفکرات غیرمنطقی بیشتری داشتند. بر اساس این پژوهش بین تفکر و سازگاری زناشویی همبستگی وجود دارد. در پژوهشی که واقعی و همکاران (۱۳۹۱) در این زمینه بر روی ۲۱۸ نفر از کارمندان دانشگاه‌های بیرجند و علوم پزشکی بیرجند انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که اختلاف معناداری بین میانگین رضایت زناشویی کارمندان دو دانشگاه وجود نداشت. عمده‌ترین میزان نارضایتی بین مؤلفه‌های نه‌گانه رضایت زناشویی در زمینه روابط جنسی و حل تعارض بود. کارمندانی که از زندگی زناشویی خود ناراضی هستند، نیاز به مداخلات تخصصی خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی دارند. در پژوهشی که قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) بر روی ۱۶۰ نفر افراد متأهل شهر تبریز (۸۰ نفر زن و ۸۰ نفر مرد) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین ویژگی‌های شخصیت و رضایت زناشویی وجود دارد. همچنین از بین ابعاد شخصیت روان

^۱- deterministic Thinking

^۲- Interaction with others

^۳- Absolut Thinking

^۴- Prediction of future

^۵- Negetive events

^۶- Enrich

رنجورخویی و پذیرا بودن؛ به ترتیب سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر رضایت زناشویی داشتند. در پژوهشی که امان‌الهی و همکاران (۱۳۸۸) بر روی ۲۰۰ نفر کارکنان زن متاهل اداره‌های دولتی شهر اهواز انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که سبک دلبستگی ایمن، سبک‌های عشق اروس، استورگ، پراگما و اگیپ با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند. سبک‌های دلبستگی پریشان و گسسته و سبک‌های عشق لودوس و مانیا با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین سبک دلبستگی گسسته و سبک‌های عشق اروس، مانیا و پراگما پیش‌بینی کننده معناداری برای رضایت زناشویی هستند. شریوسکا و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی زوج-های متاهل آمریکایی کره‌ای تبار و شرق اروپا- آمریکا بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که اوقات فراغت به آن‌ها اجازه توسعه منافع مشترک و فرصت‌های ارائه شده برای ارتباطات سالم و صرف وقت با کیفیت با یکدیگر را می‌دهد و هر چه این میزان سبک‌های ارتباطی باشد، رضایت زناشویی بیشتر است. در پژوهشی که گلستانی و همکاران (۲۰۱۲) که در این زمینه بر روی صد نفر از زنان متاهل در بندرعباس انجام دادند، با ابزار جمع‌آوری داده‌ها، صفات شخصیتی NEO-PI-R و رضایت زناشویی (IMS)؛ نشان داد که هر یک از اجزای شخصیت با رضایت زناشویی رابطه معنی‌دار دارد. ژانگ و همکاران (۲۰۱۲) پنج شهر در چین بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که اشتغال زنان متاهل به همسران کمک اقتصادی به خانواده می‌کند. همچنین درآمد همسران نسبت به درآمد خانوار با رضایت زناشویی همراه است.

تحقیقات فوق رابطه بین رضایت‌مندی زناشویی و تفکرات منطقی و غیرمنطقی زوجین را نشان می‌دهند، اما این که چه نوع سبک تفکری با عوامل رضایت‌مندی زوجیت رابطه بیشتری دارد و چه شیوه تفکری می‌تواند سازگاری و رضایت‌مندی بیشتری را در زندگی زناشویی پیش‌بینی نماید، نیاز به مطالعه و بررسی بیشتری دارد و به اهمیت این مسأله می‌افزاید.

با توجه به اهمیت عوامل فوق و این که میزان اختلالات خانوادگی و ساختار خانواده در اکثر کشورهای جهان دچار تغییر شده و میزان طلاق افزایش یافته است (وارما، ۱۹۹۰)، در جامعه ما این نیاز احساس می‌شود تا پژوهش‌های گسترده‌تری در زمینه‌های رضایت زناشویی و متغیرهای اساسی از جمله نحوه تفکرات زوجین انجام پذیرد. همچنین در ایران تحقیقات انجام شده در زمینه رضایت‌مندی زناشویی بیشتر از ابزارهای خارجی استفاده شده که علی‌رغم هنجاریابی، با فرهنگ و آداب و سنن ما سازگاری چندانی ندارد. در این پژوهش از ابزار معتبر و استاندارد که ساخت متخصصین مجرب ایرانی می‌باشد و با فرهنگ ملی و اسلامی ما مطابقت دارد، برای سنجش رضایت‌مندی زناشویی استفاده شده است. با این مقدمه و با توجه به اهمیت مسأله هدف پژوهش حاضر این است که رابطه بین مولفه‌های سبک‌های تفکر و رضایت‌مندی زناشویی را مورد بررسی قرار دهد، چون با شناخت سبک‌های تفکر افراد، موارد بسیاری چون توقعات زوجین از یکدیگر، نحوه ارتباط آنها، روش اخذ تصمیم در قبال مشکلات و حل و

بررسی رابطه رضایت‌مندی زوجیت و سبک‌های تفکر معلمان متأهل زن در شهر تهران

فصل اختلافات روزمره، چگونگی برقراری روابط جنسی، روش فرزندآوری و فرزندپروری و همچنین به جا آوردن اعمال مذهبی، آداب و رسوم اجتماعی و مسائل اقتصادی خانواده و موارد دیگری که در زندگی زناشویی نقش دارند، نیز شناخته خواهند شد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر که به بررسی رابطه بین رضایت‌مندی زوجیت و سبک‌های تفکر می‌پردازد، از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش شامل کلیه معلمان متأهل زن مدارس راهنمایی و متوسطه شهر تهران در سال ۹۰-۸۹ بودند که دامنه سوابق کاری آنها از ۵ تا ۲۵ سال بود. حجم نمونه در این پژوهش ۲۰۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای (خوشه‌ای) انتخاب شدند.

برای این منظور، ابتدا به اداره کل آموزش و پرورش تهران مراجعه شد و با استفاده از نقشه کل آموزش و پرورش شهر تهران به ۵ منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق و غرب و مرکز تقسیم شد. سپس با روش نمونه‌گیری تصادفی از هر محدوده جغرافیایی یک منطقه، و از هر منطقه چند دبیرستان و مدرسه راهنمایی دخترانه انتخاب شد. از آنجا که در پژوهش‌های همبستگی حجم نمونه حداقل ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه ضرورت دارد (دلاور، ۱۳۸۳)، چنانچه لیندمن، مرندا و گلد (۱۹۸۰) نیز پیشنهاد کرده‌اند، حجم گروه نمونه دست کم ۱۰۰ نفر کفایت (هومن، ۱۳۸۱). بدین ترتیب حدود ۲۰۰ دبیر متأهل به پرسشنامه پاسخ دادند که از این تعداد به علت عدم تکمیل پاسخ‌ها و حذف، ۱۶۹ پرسشنامه مورد تحلیل آماری قرار گرفت.

ابزار

پس از نمونه‌گیری، ابزارهای پژوهش یعنی مقیاس رضایت‌مندی زوجیت افروز^۱ (AMSS) و پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ^۲ - واگنر^۳، به صورت گروهی یا انفرادی بین معلمان توزیع شد و از آنها خواسته شد تا به کلیه پرسش‌ها پاسخ گویند. مقیاس رضایت‌مندی زوجیت افروز، شامل ۱۱۰ ماده می‌باشد که مناسب‌ترین و بهترین روش نمره‌گذاری آن استفاده از مدل لیکرت است که بر اساس این روش هر یک از گزینه‌های کاملاً مخالفم، مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم به ترتیب نمرات (۳، ۲، ۱، ۰) را به خود اختصاص می‌دهند.

بالا بودن نمره در این مقیاس نشانه سطح رضایت‌مندی بیشتر، و پایین بودن آن نشانه میزان رضایت کمتر است. در پژوهشی محبی (۱۳۹۰) به سنجش عملی بودن^۴، اعتبار^۱ و روایی^۲ مقیاس مذکور پرداخته

^۱- Afroz Marital Satisfaction Scale

^۲- Strenberg

^۳- Wagner

^۴- Practicality

است. برای محاسبه اعتبار این مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرد که مقدار این آماره (۰/۹۸۹) به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار بالا و بسیار مطلوب مقیاس رضایت زوجیت افروز می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل عاملی و روایی سازه تعداد ۹ عامل را در این مقیاس نشان داد. برای تعیین روایی ملاکی آن نیز از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ هم زمان با اجرای این آزمون استفاده کرد که در سطح معناداری ۹۹ درصد، همبستگی (۰/۴۳۷) به دست آمد که نتایج حاکی از وجود روایی همگرایی مطلوب ابزار فوق است. در پژوهشی که قدرتی (۱۳۸۸) با عنوان بررسی تحلیلی رابطه خلاقیت با رضامندی زناشویی در والدین دانش‌آموزان تیزهوش شاغل در مدارس سمپاد، غیر دولتی و عادی شهر تهران انجام داد، روایی فرم کوتاه ابزار مذکور را نیز با پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی اینریچ محاسبه کرد که در سطح معناداری $P(0/001) =$ و با ۹۹ درصد اطمینان همبستگی ۰/۴۳۱ را به دست آورد. همچنین ضریب اعتبار با استفاده از آلفای کرونباخ برای فرم کوتاه (۵۰ سوالی)، ۰/۹۵۷ بوده که نشان‌دهنده اعتبار بسیار مطلوب مقیاس رضایت‌مندی زوجیت افروز می‌باشد.

برای بررسی سبک‌های تفکر آزمودنی‌ها از مقیاس سبک‌های تفکر استرنبرگ- واگنر استفاده شد که شامل ۱۰۴ سوال بوده و ۱۳ عامل از سبک‌های تفکر را مورد سنجش قرار می‌دهد. سؤالات در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً صدق می‌کند تا اصلاً صدق نمی‌کند، متغیر است و آزمودنی باید از مقیاس- های هفت‌گانه برای تشخیص این موضوع که هر عبارتی تا چه میزان با شیوه‌های او برای انجام کارها در محل کار و یا منزل مطابقت دارد، استفاده نماید. هر سوال هفت گزینه دارد که آزمودنی می‌تواند حداکثر هفت، و حداقل یک نمره به دست آورد (اهری و خسروی، ۱۳۸۱). مقیاس مذکور توسط فتح‌الهی (۱۳۸۴) بر روی مدیران مؤسسات عالی شهر تهران هنجاریابی شد، و اعتبار آن از طریق آماره آلفای کرونباخ (۰/۹۲۷) به دست آمد که بیانگر اعتبار بالای این ابزار است. امامی پور (۱۳۸۰) نیز اعتبار این آزمون را با روش بازآزمایی و با فاصله زمانی سه هفته روی ۳۰ دانشجو اجرا کرد و برای کل سؤالات پرسشنامه، ضریب (۰/۹۲) به دست آورد که نشانگر ضریب همسانی درونی قابل قبولی این پرسشنامه است.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آماره کولموگروف اسمیرنوف مؤلفه‌های سبک تفکر قانون‌گذار، اجرایی، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر، جزئی‌نگر، آزاداندیش و برون‌نگر با درجه آزادی ۱۶۹، در سطح ۹۹ درصد (۰/۰۱) معنادار است. همچنین مؤلفه‌های سبک تفکر فردسالار، محافظه کار و درون‌نگر با درجه آزادی ۱۶۹، در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) معنادار است که نشان‌دهنده آن است که توزیع داده‌ها

¹- Reliability

²- Validity

بررسی رابطه رضایت‌مندی زوجیت و سبک‌های تفکر معلمان متأهل زن در شهر تهران

نرمال است، در نتیجه می‌توان به بررسی آماری داده‌ها پرداخت. اما مؤلفه‌های سبک تفکر جرگه سالار و ناسالار در سطح ۹۵ درصد معنادار نیستند و از تحلیل حذف می‌شوند.

جدول ۱: آماره کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

کولموگروف - اسمیرنوف		مؤلفه‌های سبک‌های تفکر
سطح معناداری	آماره	
. / .۰۰۰۱	. / 159	سبک تفکر قانون‌گذار
. / .۰۰۰۱	. / 156	سبک تفکر اجرایی
. / .۰۰۰۱	. / 107	سبک تفکر قضایی
. / 03	. / 073	سبک تفکر فردسالار
. / .۰۰۰۱	. / 159	سبک تفکر پایورسالار
. / 092	. / 064	سبک تفکر جرگه سالار
. / 2*	. / 06	سبک تفکر ناسالار
. / 008	. / 081	سبک تفکر کلی‌نگر
. / .۰۰۰۱	. / 113	سبک تفکر جزئی‌نگر
. / .۰۰۰۱	. / 121	سبک تفکر آزاداندیش
. / 015	. / 078	سبک تفکر محافظه‌کار
. / 001	. / 093	سبک تفکر برون‌نگر
. / 012	. / 079	سبک تفکر درون‌نگر

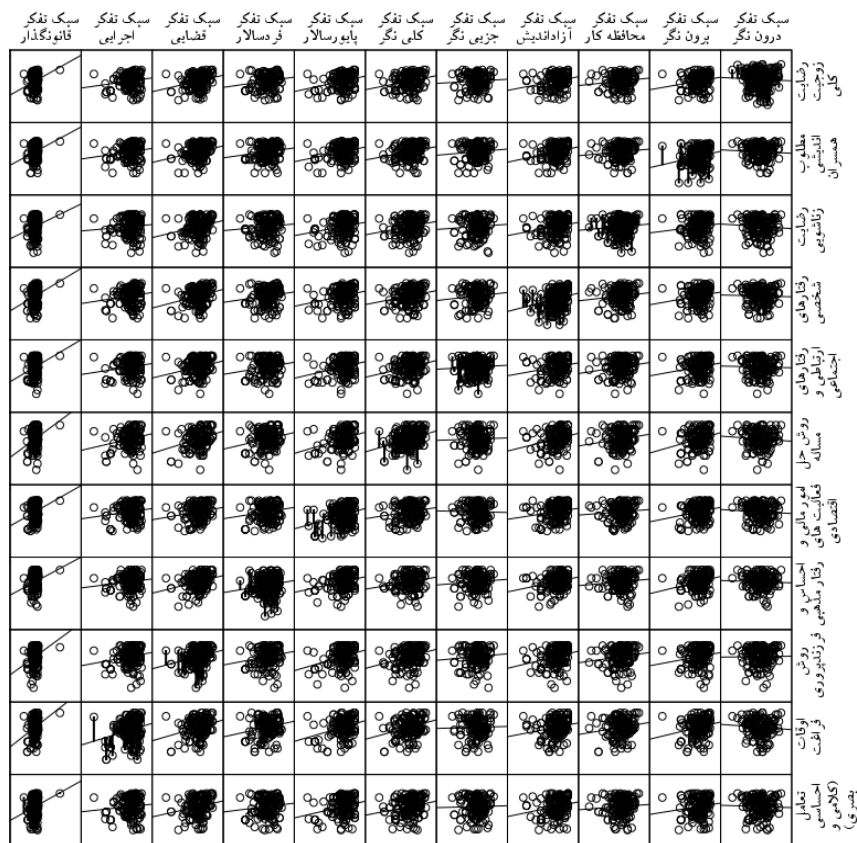
* کوچکتر از معناداری حقیقی

جدول ۲: آماره کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

کولموگروف - اسمیرنوف		مؤلفه‌های رضایت‌مندی زوجیت افروز
سطح معناداری	آماره	
. / .۰۰۰۱	. / 101	رضایت زوجیت کلی
. / .۰۰۰۱	. / 117	مطلوب‌اندیشی همسران
. / .۰۰۰۱	. / 119	رضایت زناشویی
. / .۰۰۰۱	. / 101	رفتارهای شخصی
. / .۰۰۰۱	. / 112	رفتارهای ارتباطی و اجتماعی
. / 004	. / 086	روش حل مساله
. / .۰۰۰۱	. / 138	امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی
. / .۰۰۰۱	. / 119	احساس و رفتار مذهبی
. / .۰۰۰۱	. / 106	روش فرزندپروری
. / 004	. / 085	اوقات فراغت
. / .۰۰۰۱	. / 107	تعامل احساسی (کلامی و بصری)

*تعداد در کلیه سطرها ۱۶۹ مورد می‌باشد.

آماره کولموگروف اسمیرنوف مؤلفه کلی، و مؤلفه‌های فرعی آزمون رضایت‌مندی زوجیت افروز با درجه آزادی ۱۶۹، در سطح ۹۹ درصد (۰/۰۱) معنادار است و نشان‌دهنده آن است که توزیع داده‌ها نرمال است، در نتیجه می‌توان به بررسی آماری داده‌ها پرداخت.



شکل ۱: ماتریس همبستگی مؤلفه‌های آزمون رضایت‌مندی زوجیت افروز و سبک‌های تفکر

با توجه به ماتریس همبستگی در شکل ۱ می‌توان گفت، رابطه تقریباً خطی بین مؤلفه‌ها وجود دارد. بنابراین، می‌توان به تحلیل همبستگی و رگرسیون پرداخت (جدول ۳).
 بین رضایت زوجیت کلی افروز با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، نیز با سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم دارد، و می‌توان

بررسی رابطه رضایت‌مندی زوجیت و سبک‌های تفکر معلمان متأهل زن در شهر تهران

همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزئی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد، بنابراین این مؤلفه‌ها وارد تحلیل نمی‌شوند.

بین مؤلفه مطلوب اندیشی همسران با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر، آزاداندیش و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، و نیز با سبک‌های تفکر اجرایی و فردسالار در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزئی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه رضایت زناشویی با سبک‌های تفکر قضایی، پایورسالار و کلی‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و نیز با سبک‌های تفکر قانون‌گذار و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار، جزئی‌نگر، محافظه‌کار، برون‌نگر و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه رفتارهای شخصی با سبک‌های تفکر قانونگذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و نیز با سبک‌های تفکر اجرایی و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر فردسالار، جزئی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه رفتارهای ارتباطی و اجتماعی (افروز) با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، و نیز با سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار، محافظه‌کار و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزئی‌نگر و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه روش حل مساله با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، اجرایی، قضایی، فردسالار، پایورسالار، کلی‌نگر، آزاداندیش و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، و نیز با سبک تفکر محافظه‌کار در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی افروز و سبک‌های تفکر جزئی‌نگر و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، پایورسالار و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و نیز با سبک‌های تفکر قضایی، فردسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر اجرایی، جزیی-نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه احساس و رفتار مذهبی با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر، آزاداندیش و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار، جزیی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه روش فرزندپروری با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و نیز با سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزیی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه اوقات فراغت با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، اجرایی، قضایی، فردسالار، پایورسالار، کلی-نگر، آزاداندیش و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و نیز با سبک تفکر محافظه‌کار در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزیی‌نگر و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه تعامل احساسی (کلامی و بصری) با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی-نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و می‌توان همه این مؤلفه‌ها را وارد تحلیل رگرسیون کرد، اما بین رضایت زوجیت کلی افروز و سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار، جزیی‌نگر، محافظه‌کار، درون‌نگر و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پس از بررسی مفروض‌های لازم جهت نرمال بودن مؤلفه‌های مقیاس رضایت‌مندی زوجیت و مؤلفه‌های سبک‌های تفکر و همچنین وجود رابطه خطی بین مؤلفه‌های دو آزمون، شرایط لازم برای آزمون همبستگی را فراهم آورد و به سوال‌های پژوهش که شامل: آیا بین رضایت‌مندی زوجیت کلی و مؤلفه‌های سبک‌های تفکر رابطه معناداری وجود دارد؟، و آیا بین مؤلفه‌های رضایت‌مندی زوجیت و مؤلفه‌های سبک‌های تفکر رابطه معناداری وجود دارد؟، پاسخ گفتیم. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که: بین رضایت زوجیت کلی با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱)، و نیز با سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزئی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد. همچنین نتایج به دست آمده از همبستگی بین مؤلفه‌های رضایت‌مندی زوجیت و مؤلفه‌های سبک تفکر نشان داد که:

بین مؤلفه مطلوب اندیشی همسران با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر، آزاداندیش و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱)، و نیز با سبک‌های تفکر اجرایی و فردسالار در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزئی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه رضایت زناشویی با سبک‌های تفکر قضایی، پایورسالار و کلی‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) و نیز با سبک‌های تفکر قانون‌گذار و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت کلی افروز و سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار، جزئی‌نگر، محافظه‌کار، برون‌نگر و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه رفتارهای شخصی (افروز) با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱)، و نیز با سبک‌های تفکر اجرایی و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر فردسالار، جزئی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه رفتارهای ارتباطی و اجتماعی با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) و نیز با سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار، محافظه‌کار و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت

کلی و سبک‌های تفکر جزیی‌نگر و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه روش حل مساله با سبک‌های قانون‌گذار، اجرایی، قضایی، فردسالار، پایورسالار، کلی‌نگر، آزاداندیش و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱)، و نیز با سبک تفکر محافظه‌کار در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزیی‌نگر و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، پایورسالار و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) و نیز با سبک‌های تفکر قضایی، فردسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت کلی افروز و سبک‌های تفکر اجرایی، جزیی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه احساس و رفتار مذهبی با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر، آزاداندیش و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت کلی افروز و سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار، جزیی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه روش فرزندپروری با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱)، و نیز با سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزیی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه اوقات فراغت با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، اجرایی، قضایی، فردسالار، پایورسالار، کلی‌نگر، آزاداندیش و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱)، و نیز با سبک تفکر محافظه‌کار در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت کلی و سبک‌های تفکر جزیی‌نگر و درون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

بین مؤلفه تعامل احساسی (کلامی و بصری) با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی، پایورسالار، کلی‌نگر و آزاداندیش در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰/۰۱) رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، اما بین رضایت زوجیت و سبک‌های تفکر اجرایی، فردسالار، جزیی‌نگر، محافظه‌کار، درون‌نگر و برون‌نگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) رابطه معناداری یافت نشد.

همان‌طور نتایج تحلیل داده‌ها ارتباط انسان با جهان به خصوص در روابط زناشویی، همواره مستقیم و به دور از تاثیر عوامل ذهنی نیست. روانشناسان معتقدند که اندیشه‌ها و پندارهای ماست که کیفیت زندگی ما را می‌سازد. در حقیقت همه چیز از افکار و از ذهن ما سرچشمه می‌گیرد. با اندیشه‌های مثبت

است که انسان سرشار از شور و اشتیاق می‌شود و احساس خوشبختی، تندرستی و آرامش می‌کند. در حالی که، با افکار منفی ناتوانی‌ها، حقارت‌ها، خودکم‌بینی‌ها و درماندگی‌ها، ایمان تشدید می‌گردد و بسیاری از امراض روحی و جسمی نصیب مان می‌شود. (همشهری، ۱۳۸۲). همان‌طور که در مقدمه عنوان شد، افراد سبک‌های تفکر مختلفی دارند و در نتیجه روش و شیوه زندگی‌شان نیز متفاوت خواهد بود. یکی دوست دارد که برای زندگی تحصیلی و شغلی خود برنامه‌ریزی کند و به هدف‌هایش نایل شود. دیگری ترجیح می‌دهد که دیگران زندگی کاری و تحصیلی‌اش را هدایت و کنترل کنند. برخی دیگر موفقیت و رضایت‌مندی شغلی و تحصیلی را در تعامل و ارتباط با دیگران، و بده بستان‌های اجتماعی می‌بینند. دیگری ترجیح می‌دهد که در تنهایی و انزوا وظایفش را انجام داده و موفقیت کسب نماید و کثرت و تنوع افراد در سبک و شیوه‌های تفکر باعث بروز شیوه‌های مختلفی در زندگی از جمله زندگی زناشویی می‌شود. این تحقیق نیز با این هدف طرح‌ریزی شد که بتواند به رابطه سبک‌های تفکر و عوامل رضایت‌مندی زناشویی پی ببرد و روشن سازد که سبک و نحوه تفکر و اندیشه افراد چگونه می‌تواند رضایت‌مندی آنها را در زندگی زناشویی پیش‌بینی نماید. به عنوان نمونه، روش فرزندپروری یکی از ابعاد رضایت‌مندی زوجیت است که همان‌طور که از نتایج پژوهش حاصل بر می‌آید با سبک‌های تفکری از قبیل قانون‌گذار، اجرایی، قضایی و آزاداندیش ارتباط مستقیم و معنادار دارد. منظور از ارتباط این است که افرادی که دارای این نوع سبک تفکر هستند، می‌توانند بیشترین تاثیر را در بعد فرزندپروری داشته باشند. والدینی که در فرزندآوری و روش فرزندپروری دارای ارزش و اعتقادات و سبک تفکر همسو هستند، در این امر موفق‌تر عمل می‌کنند. احساس و رفتار مذهبی نیز که از عوامل مهم در رضایت‌مندی بین زوجین است، با سبک تفکر آنها رابطه دارد. دارا بودن گرایش و عواطف دینی همسان و هماهنگ به سهم خود می‌تواند هماهنگی عاطفی و آرامش را برای زوجین به ارمغان آورد. مطلوب‌اندیشی نیز که یکی دیگر از مولفه‌های موثر در رضایت زناشویی است، به تفکرات سازنده و مثبت زوجین در ابعاد مختلف زندگی زناشویی گفته می‌شود. افرادی که دارای سبک تفکر قانون‌گذار، قضایی آزاداندیش و ... (به جز سبک تفکر جزئی‌نگر، محافظه‌کار و درون‌نگر) هستند، بهتر و بیشتر می‌توانند در زمینه مطلوب‌اندیشی و تفکرات سازنده و در نهایت رضایت و خشنودی همسر خود در زندگی زناشویی تاثیرگذار باشند. در اینجا صحبت از خوبی یا بدی سبک تفکری به میان نمی‌آید، بلکه شناخت شیوه و اصول اندیشیدن است که به ما کمک می‌کند خود را بهتر شناخته و عملکرد خود را در قبال زندگی زناشویی و ابعاد مختلف آن بهبود بخشیم. در بسیاری از موارد توانایی‌های افراد را برای رسیدن به موفقیت در امور مختلف مهم و اساسی تلقی می‌کنیم و این در حالی است که شیوه اندیشیدن و سطح تفکر افراد را نیز باید به عنوان عنصری مهم و موثر در موفقیت و در نتیجه رضایت‌مندی آنها در نظر گرفت. با شناخت سبک‌های تفکر افراد، موارد بسیاری چون توقعات زوجین از یکدیگر، نحوه ارتباط آنها، روش اخذ تصمیم در قبال مشکلات و حل و فصل اختلافات روزمره و ... نیز شناخته خواهند شد. بنابراین، توجه به سبک تفکر زوجین زمینه-

های لازم برای رسیدن به شادکامی و سعادت در زندگی زناشویی را فراهم آورده و موجب ایجاد تفاهم بیشتری بین زوجین می‌گردد. نتایج حاصل از این پژوهش که رابطه رضایت‌مندی و سبک‌های تفکر را مورد بررسی قرار داد، با برخی از نظریات و نتایج پژوهش‌های به دست آمده در این زمینه از جمله نتایجی که اسماعیلی (۱۳۸۸)، سالیوان و سوبیل (۱۹۹۵)، ساندرسون و کانتور (۲۰۰۱)، هامامکی (۲۰۰۵)، شئریوسکا و همکاران (۲۰۱۳) و همچنین ژانگ و همکاران (۲۰۱۲) به دست آوردند، همسویی دارد. کلیه این پژوهش‌ها به وجود رابطه بین سبک تفکر و رضایت زناشویی صحنه گذاشته و سبک و شیوه اندیشه و تفکر را به عنوان یکی از عوامل موثر در رضایت از زندگی در نظر گرفته‌اند. با عنایت نسبت به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، افراد باید قبل از ازدواج آگاهی عمیق و دقیق‌تری را از نحوه تفکر، خلق و خوی و اعتقادات و ارزش‌های طرف مقابل کسب نمایند تا بتوانند در آینده مسائل و مشکلات زندگی را با آگاهی بهتری حل و فصل نمایند. همچنین از نتایج به دست آمده می‌توان در جهت یاری نمودن و مدد رسانی به زوجینی که مشکلات و موانع، آرامش را از آنان سلب کرده، ولی با این وجود خواستار ادامه زندگی و همراهی با هم هستند، در مراکز راهنمایی و مشاوره ازدواج و خانواده بهره‌مند شد تا با سنجش و ارزیابی و شناسایی سبک تفکر زوجین به موانع و مشکلات آنها از طریق ابزارهای رضایت زوجیت و سبک تفکر پی برد و با آموزش و درمان و آگاه‌سازی آنها نسبت به افکار و عملکرد و تعهد خود در قبال یکدیگر، خانواده و همچنین جامعه را از دام خطرهای ناشی از هم‌گسیختگی خانواده، طلاق و اعتیاد و ... رهایی بخشید. توجه به محدودیت‌ها و پیشنهادها در این پژوهش نیز قابل ملاحظه است زیرا:

- ۱- جلب مشارکت برخی مدارس، معلمان یا توجیه بعضی از مدیران برای همکاری با معلمان‌شان جهت پاسخگویی به سوالات بسیار مشکل بود.
- ۲- یافته‌های این پژوهش بر روی نمونه‌ای از معلمان شهر تهران اجرا شد و باید تعمیم‌پذیری نتایج به سایر گروه‌ها با احتیاط صورت گیرد.
- ۳- به دلایلی چند از جمله: زیاد بودن تعداد سوال‌ها، کمبود وقت، شرایط و موقعیت شغلی، اجتماعی، خانوادگی یا مشغله کاری و ... امکان پاسخ‌های غیردقیق وجود داشت که البته پاسخ‌نامه‌های غیر دقیق و نیمه پر شده از تحلیل حذف گردیدند.
- ۴- توصیه می‌گردد در پژوهش‌های بعدی که در این راستا صورت می‌پذیرد، از قشرهای دیگر متأهلین در سنین مختلف و با سابقه ازدواج کوتاه، متوسط و طولانی مدت یا حتی افراد مطلقه بهره‌مند گردند تا بتوان اطلاعات دقیق‌تری را در اختیار زوجینی که به مراکز روانسنجی و مشاوره جهت سنجش و ارزیابی میزان رضایت‌مندی و همسو بودن یا نبودن شیوه‌های تفکر شان مراجعه می‌کنند و به منظور مداخلات پیشگیرانه و درمان‌جویانه مورد استفاده قرار داد.
- ۵- این پژوهش بر قشری از معلمان متأهل زن در شهر تهران انجام گرفته، بهتر است برای به دست آوردن یافته‌های جدیدتر در اقشار مختلف مردان متأهل نیز اجرا گردد.

References

- Afrooz, G. A. (1386). Psychology of Family Ideal Spouse, Tehran: Published by: Parents- Teachers Association.
- Afrooz, G. A. (1388). Psychology of Wife and Husband Relationship Viewpoint of Prophet Mohammad (PUH).Tehran: Published by Shabak, Farhang.
- Sternberg, R. (1997). Thinking Styles, Translation of Etemadi Ahari, A. and Khosravi, A. A. (2002). Second Edition. Tehran; Published by Damar.
- Amanollahi, A.; Aslani, Kh. Tashakkor, H.; Avamesh, S. and Nekuie, S. (2009). Women's Studies (Sociological & Psychological), A Study of Relationship between Romantic Attachment Style and Love with Marital Satisfaction, 10 (3).
- Emamipour, S. (2001). A Study of Thinking Styles in Students and College Students and it's Relationships With Creativity and Achievement Progress. General Psychology PhD Thesis. Science and Research Unit of Islamic Azad University.
- Esmaili, N. (2009). A Study of Relationship between Thinking Style and Enrich Marital Satisfaction in Married male and Female Teachers of Tabriz. The Counseling Master Thesis of Faculty of Science and Education of Shahid Beheshti University.
- Seif, A. A. (2009). Modern Educational Psychology. Tehran: Published by Agah.
- Fathollahi, A. A. (2007). A Study of Practical, Validity, Reliability and Normalization of Sternberg-Wagner Thinking Styles Questionnaire in Tehran Managers. Psychometric Master Thesis of Islamic Azad University of Tehran Center Unit.
- Momen Zadeh, F. (2002). The Relationship of Irrational Thoughts and Attachment Patterns with Marital Satisfaction. General Psychology Master Thesis, Shahid Beheshti University.
- Mohebbi, M. (2011). A Study of Practical, Validity and Reliability of Afrooz Marital Satisfaction Scale among Married Female Teachers in Tehran and it's Relationship with Thinking Styles. Master Thesis. Psychometric Field. Islamic Azad University of Tehran Center Unit.
- Golestani, E. Manzeri Tavakoli, A. Manzeri Tavakoli, H. (2012). Relationship of Personality Traits with Marital satisfaction in Women. *Journal of Life Science and Biomedicine*. 2(5): 216-218.
- Hamamaci, z. (2005). Dysfunctional relationship Beliefs in marital satisfaction in the development of close relationship. *New Zealand Journal of psychology*, 20, 50-62.
- Kaslow, F & Robinson, J. A (1996). Long-term. Marriage: Perceptions of contributing factors. *American Journal of Family Therapy*.

- Sullivan, B & Swebel, A (1995). Relation ship beliefs and expectations of satisfaction in marital relationships. *Journal of family therapy*, 3, 278-306.
- Sanderson, C. A. & Cantor, N. (2001). The Association of Intimacy Goals and marital satisfaction: A Test of four mediational Hypotheses. *PSPB27* (12), 1567-1577.
- Sharaievska, I. Kim, J. Stodolska, M (2013). Leisure and Marital Satisfaction in Intercultural Marriages. *Journal of Leisure Research*. Vol 45, No 4. Grigorenko, Elena. L. & Sternberg, Robert. j. (1997). Style of thinking abilities academic performance. *Exceptional children*, 63, 295-312.
- Sternberg, R. j. (1998). *Thinking styles*. New York U.s.a: Cambridge university press.
- Varma. Ved. P. (1990). *The Management of children with Emotional and Behavioral Difficulties*, Routedge in London, New York.
- Zhang, H. Tsang, S. K. M. Chi, P. Cheung, Y. T. Zhang, X. Yip, P. S. F. (2012). Wives' relative income and marital satisfaction among the urban Chinese population: Exploring some moderating effects. *The Journal Of comparative family studies*, 2012, v.43 n. 2, p. 185-199.
- Blum, j. S., mehrabian, A. (1999). *personaliti and temperament corralates of marital satisfaction*. *Journal of personality*, 67, 93, 125.
- Eliss, A. (1989), *Rational- Emotive couples Therapy*. New York: Bergamon press
- Vaijayanthimala, K., kumara, K., & Panda, P. (2004) *Socio-economic heteronomy and marital satisfaction journal of human Ecology*, 15(1), 9-110
- Roizblatt, A., Kaslow, F., Rivera, S., Funchs, T., Conejero, C., Zacharias, A. (1999). *Long lasting marriage in Chile*. *Contemporary family Therapy*, 21, 113-129.